



گفت‌وگوی روزنامه صبا با برگزیدگان نهایی نوزدهمین جشنواره شعر فجر

در اختتامیه جشنواره شعر فجر چه گذشت؟

سمیه خاتونی
گفت و گو

جشنواره بین‌المللی شعر فجر یکی از مهمترین جشنواره‌های ادبی و بزرگترین جایزه شعر در ایران است که از زمستان سال ۱۳۸۵ هر سال برگزار می‌شود. این رویداد توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با همکاری معاونت شعر و داستان در خانه کتاب ایران، تمامی مجموعه‌اشعار منتشر شده در طول سال را مورد بررسی قرار می‌دهند. این جشنواره پنجشنبه ۲ اسفند ۱۴۰۳ اختتامیه نوزدهمین دوره خود را در استان فارس برگزار کرد. داوران نوزدهمین دوره از جشنواره بین‌المللی شعر فجر، به بررسی و داوری اشعار در چهار بخش شعر کلاسیک، شعر نو، شعر محاوره و دوباره شعر پرداختند و از برگزیدگان این دوره تقدیر کردند. امسال دبیر جشنواره شعر فجر فریبا یوسفی با رویکرد تمرکززدایی از پایتخت، این رویداد را در استانهای مختلف ایران بندرعباس، یزد، شیراز و... برگزار کرد. در دبیرخانه این دوره از جشنواره، آثار متنوعی در چهار بخش بررسی شده است. در بخش شعر کلاسیک ۱۰۲۳ کتاب، در بخش شعر نو ۸۵۵ اثر، در بخش محاوره ۲۱۴ اثر و در بخش دوباره شعر ۲۱۰ اثر، و در مجموع ۲،۱۷۴ عنوان کتاب مورد بررسی قرار گرفت و ۲۸ کتاب به عنوان نامزد به مرحله نهایی رسیدند و ۸ نامزد موفق شدند عنوان برگزیدگی و شایسته تقدیر را در این دوره از آن خود کنند. خبرنگار صبا با چند تن از برگزیدگان در بخش‌های مختلف، با موضوع کیفیت برگزاری مراسم و چالش‌های شاعران معاصر گفت‌وگویی داشت که در ادامه می‌خوانید.

فاطمه گیلانی (برگزیده بخش شعر نو):

یک روز پر استرس و هول‌انگیز!

مراسم اختتامیه این دوره از جشنواره شعر فجر در استان فارس / شیراز چگونه گذشت؟

بنده هم از این رویکرد استقبال می‌کنم اما ای کاش با برنامه‌ریزی دقیق‌تری همراه بود. دقیقاً در روز مراسم برای ما بلیت پرواز به سمت شیراز گرفته بودند، پرواز چند ساعتی تأخیر داشت و ما با استرس زیاد خود را به مراسم رساندیم. بهتر بود برای آرامش، از یک روز قبل در شیراز اسکان داده می‌شدیم. علاوه بر آن وقتی رسیدیم محلی برای اسکان شاعران برنامه‌ریزی نشده بود. تا اینکه استاد سعید بیابانکی کمک کردند تا چند ساعتی در هتل مستقر شویم. همان روز بلیت

برگشت داشتیم و با استرس فراوان هنوز نرسیده باید برمی‌گشتیم. انتظار می‌رفت وقتی به شهر شیراز می‌رویم یک برنامه دیدار از حافظیه و شهر شیراز داشته باشیم و یا با دوستان و شاعران شیرازی فرصت دیدار در یک محفل شعری داشتیم که آن هم اتفاق نیفتاد. خلاصه اینکه یک برنامه عجولانه را در یک روز پر استرس گذراندیم.

آیا در خود مراسم اختتامیه اشعاری از شاعران برگزیده خوانده شد و یا فرصتی برای حرف زدن دادند؟

متأسفانه خیر، با اینکه من از روز قبل یک قطعه شعر آماده کرده بودم اما حتی برای ما که برگزیدگان نهایی بودیم هیچ فرصتی برای شعر خواندن و یا کلامی برای تشکر و... ندادند.

اما به هر حال برگزیده شدن کتاب شما در شعر فجر می‌تواند اتفاقات خوبی را در آینده حرفه‌ای شما رقم بزند.

دقیقاً، امید ما هم به همین است، این که شعر زنده باشد و جریان ادبی در ایران پویا به مسیرش ادامه دهد.

ممکن است قطعه شعری از کتاب «آن قدر تلخ که فراموش می‌کنی شکلات است» برای آشنایی بهتر مخاطبان با سبک کاری تان بگوئید.

کاری که زندگی با من کرد / زمستان با درخت نمی‌کند / به هیچ چیز نمی‌توانم تشبیه‌اش کنم مگر شکلات تلخ / آنقدر تلخ که فراموش می‌کنی شکلات است! / زندگی است دیگر / طوری به دست و پایم پیچید / که زمستان به شاخه‌ها و کاری که من با زندگی کردم / درخت با زمستان نمی‌کند / به هیچ چیز نمی‌تواند تشبیه‌ام کند / مگر شکلات تلخ / آنقدر شکلات که فراموش می‌کنی تلخ است / زنم دیگر / طوری گل از گلم می‌شکفت / که درخت از زیر برف‌ها.

فاطمه عارف‌نژاد (برگزیده بخش کلاسیک):

من بیش از جشنواره، از خودم انتظار دارم

مراسم اختتامیه چگونه گذشت؟

من از برگزاری جشنواره بسیار راضی بودم، بسیار برنامه شسته رفته و جامعی بود. دبیر جشنواره خانم فریبا یوسفی و دست‌اندرکاران این رویداد که می‌دانم در طول این دروه زحمات زیادی کشیدند، تشکر می‌کنم. برگزاری رویدادی در این سطح به صورت بین‌المللی قطعاً زحمات زیادی دارد.

شما از کدام شهر و به چه صورت در مراسم حضور پیدا کردید.

من متولد زاهدان و ساکن قم هستم، از یک روز قبل به صورت زمینی و به همراه خانواده به شهر شیراز آمده بودیم. البته من از برنامه‌ریزی دوستانی که پرواز آمده بودند، مطلع نیستم. چون قرار بود به همراه خانواده در مراسم حضور داشته باشم با هزینه شخصی و به همراه خانواده عازم شیراز شدیم.

یکی از مهمترین کارکردهای جشنواره‌ها، دیدار تازه کردن شاعران با یکدیگر و فرصت تبادل اندیشه‌هاست. با این وصف آیا در خلال برگزاری این رویداد فرصتی داشتید که با شاعران نامزد شده دیگر، گپ و گفت و هم‌اندیشی مختصری داشته باشید.

فکر می‌کنم این دوره اقتضاعات خاص به خود را داشت، در خود مراسم بیشتر در خدمت میهمانان خارجی و فارسی زبان شاعر بودیم و به دلیل برنامه‌ریزی‌ها که با فشردگی انجام گرفت، خیر فرصت دیدار و... پیش نیامد. البته من با شرایط خاص خود در این جشنواره حضور داشتم اما می‌دانم که در این رویداد محافل شعری مختلفی را با عنوان بانوان شعر فجر، جوانان شعر فجر و... برگزار کرده بودند.

نظر تان درباره حضور شاعران پیشکسوت فارسی زبان، در مراسم اختتامیه چه بود؟

من که قطعاً از اشعارشان لذت بردم. به هر حال جشنواره بین‌المللی است و حضور شاعران فارسی زبان در این جشنواره لازم بود و این تمهید سبب شده که سطح این رویداد ارتقا یابد.

انتظار شما بعد از اختتامیه این مراسم از مسئولان و تصمیم‌گیرندگان در حوزه شعر و ادب فارسی چیست؟

من بیش از آن که از جشنواره انتظار داشته باشم از خودم انتظار دارم که این مسیر در زندگی‌ام ادامه‌دار باشد. در آغاز راه هستم و امید دارم که اشعارم پخته‌تر شوند، این رویداد اولین گام بود تا اولین کتاب من در قالب یک مجموعه شعر دیده شوند.

قطعه‌ای شعر از کتاب «شبانماه» که از سروده‌های شماست را تقدیم مخاطبان روزنامه صبا کنید.

راه پیدا می‌شود، همراه پیدا می‌شود / فرصت راهی شدن گه‌گاه پیدا می‌شود